

مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶ ۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶ ۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶ ۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۳ - روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر - شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جام‌چم

ساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران

www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۵-۸۸۵۴۸۸۸۰

میتوانید اخبار را روزانه نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

نمی دانستم صدای آقای شجریان پخش نمی‌شود

علی رهبری؛ اولین قطعه‌ای که نوشتم برای استاد شجریان بود آن‌هم به‌دلیل علاقه بسیار مادرم به صدای ایشان بود و البته حدوداً ۱۵ سال قبل آقای شجریان به کنسرت من در ایران آمدند و از حضورشان بسیار خرسند شدم. من نمی دانستم صدای آقای شجریان از رادیو تلویزیون ملی ایران پخش نمی‌شود و از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شدم.

بخشی از گفت‌وگوی «ایران» با علی رهبری درباره آلبوم «مادرم ایران» در صفحه ۱۰

روایت منصور ضابطیان از دلایل اهمیت و ماندگاری مجری سابق برنامه «نود»

مورد قابل تدریسِ عادل فردوسی‌پور

نام عادل فردوسی‌پور بعد از یادداشت گرفتن جایزه مردمی از جشن حافظ دوباره در کانون خبرها قرار گرفته است و چهره‌های منبری و فرهنگی را به واکنش واداشته است؛ خصوصاً که اخیراً شایعه عجیبی مبنی بر احتمال پیوستن او به شبکه «ایران اینترنشنال» شنیده شد که فردوسی‌پور قویاً آن را تکذیب کرد و به خبر آنالین گفت: «هیچ گونه تماسی از این شبکه با من گرفته نشده و اگر هم چنین پیشنهادی مطرح می‌شد واضح است که آن را نمی‌پذیرفتم و پاسخم منفی بود».



منصور ضابطیان مجری و تهیه‌کننده تلویزیون

همیشه در کلاس‌های گویندگی، بخشی از کلاس را به تدریس «عادل فردوسی‌پور» اختصاص می‌دهم تا به دانشجویا بگویم که برای موفق بودن در عرصه تلویزیون، صدا، فن بیان، چهره عروسی‌کی و... در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در آنالیز حرفه‌ای عادل فردوسی‌پور در می‌یابیم که او صدای عجیب و رادیوفونیکی ندارد و تازه به لحاظ فن بیان ابرادهای اساسی نیز به او وارد است. در فهرست

سهم جدی «ساغروانی» در صنعت نشر

با اهالی کتاب در غنی‌سازی بازار کتابمان با آثاری ارزشمند سهم بسزایی داشته است. گفته‌هایم را نباید به حساب تعریف یک ناشر از همکار دیگرش گذارید. چراکه کافی است به سراغ اهالی کتاب بروید تا تصدیق آنها را بشنوید. از مؤلف تا مترجمی که سابقه همکاری با این نشر را داشته‌اند همگی اذعان خواهند کرد که او را

می‌توان از معدود ناشرانی دانست که ضمن رعایت اخلاق حرفه‌ای برخوردی منصفانه هم با مترجمان و مؤلفان در پرداخت حق التالیف و حق الترجمه داشته است. ساغروانی ضمن آنکه خودش هم کتاب‌شناسی مطرح به شمار این را بر اساس تجربه اهالی کتاب و فن غافل نشده است. آنچنان که می‌دانم طی برپایی جلسات ثابتی با حضور اهالی کتاب از تجربه آنها برای انتخاب آثار ارزشمند بهره می‌گرفته و این در حالی است که کم نیستند ناشرانی که همچنان به شیوه سنتی کار می‌کنند و از اهمیت حضور کارشناسان امر غافل هستند. البته سعید دمیرچی را هم می‌شناسم و معتقدم که او در کتاب‌های حوزه ایران و افغانستان کتاب‌شناس قابلی به شمار می‌آید و منطق حاکم بر بازار را به خوبی می‌شناسد. با این حال امیدوارم به واسطه خدمات ارزشمندی که ساغروانی طی سال‌های فعالیت خود در نشر هرمس انجام داده قدردانی بسزایی از او انجام شود.

جابه جایی مدیریتی در مؤسسه نشر هرمس از خبرهای فرهنگی روز گذشته بود که بر آن اساس لطف‌الله ساغروانی، مدیرعامل پیشین این نشر جای خود را به سعید دمیرچی سپرد. مسعود کوثری، ساغروانی را از چهره‌های برجسته حوزه نشر می‌دانند.



مسعود کوثری مدیرعامل انتشارات علمی و فرهنگی

اغراق نیست اگر بگویم لطف‌الله ساغروانی به واسطه سال‌های فعالیتش در نشر هرمس از جمله حرفه‌ای‌های این حوزه به شمار می‌آید. کبر اساس تعارفات رایج نمی‌گویم بلکه تأکیدم به دلیل شناختی است که طی سال‌ها از او کسب کرده‌ام. ساغروانی با اتکا به تجربه‌ای که از فعالیت در عرصه نشر کسب کرده و از سویی مطالعه و دانش شخصی‌اش توانست هرمس را با وجود عمر کوتاهی که از تولد آن می‌گذرد به یکی از مؤسسات مطرح نشر تبدیل کند. هرمس از سال ۸۷ تأسیس شده، دقیقاً از یازده سال قبل و به لطف حساسیت و وسواسی که از ساغروانی سراغ داریم این مؤسسه دست به نشر آثار ارزشمندی در حوزه‌های مختلف تالیف و ترجمه زده است. او طی یک دهه اخیر با برقراری ارتباطی ستودنی

۳۶
تبریز
۱۹

به صحنه نمایش برگشتم

رضا رویگری؛ (درباره تفاوت تئاتر دیروز و امروز) آن‌موقع اصلاً پولی در کار نبود و فقط عشق به تئاتر باعث می‌شد که اهل تئاتر دور هم جمع شوند و کار روی صحنه ببرند... من خوشحالم که دوباره به صحنه نمایش برگشتم و امیدوارم مردم هم بیایند و ببینند و به ما انگیزه بدهند.

گفت‌وگوی خبرنگار ایران را با رضا رویگری، به بهانه بازگشتش پس از ۱۰ سال به صحنه تئاتر، در صفحه ۶ بخوانید



خبرنگار

می‌کنم که آنچه در کلام یک مجری می‌آید دست کم باید یکی از دو کار زیر را انجام بدهد: یا باید چیزی بر گنجینه احساسی مخاطب بیفزاید یا چیزی به گنجینه اطلاعات او اضافه کند. مجریان انگشت‌شماری هستند که بتوانند هر دو این کارها را با هم انجام دهند و بدون شک عادل یکی از آن انگشت‌شمارهاست. او توانسته از خود توامان چهره‌ای با سواد و چهره‌ای سمپاتیک ارائه کند. عادل از زاویه دیگری نیز مثال‌زدنی است که همیشه باید مورد توجه علاقه‌مندان اجرا در تلویزیون قرار گیرد. حرفه اجرا حرفه‌ای بدون هیچ حاشیه امنیت است. یک اشتباه شخصی، یک سوءتفاهم از طرف یک مدیر، یک سادت حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، یک جمله ناخوaste و... می‌تواند تا مدت‌ها یک مجری را از صفحه تلویزیون محو کند (البته منظوم از صفحه تلویزیون است نه از قلب مردم!) در این شرایط مجری‌ها چگونه باید زندگی مادی - و مهم‌تر از آن حسی - خود را تأمین کنند. مجریانی در این شرایط دوام آورده‌اند که مثل عادل فردوسی‌پور «مولتی‌فانکشن» باشند. عادل اگر اجرا هم نکند، ترجمه می‌کند، می‌نویسد، درس می‌دهد و... اینها او را تر و تازه می‌کند می‌دارد تا روز بازگشت....

دشواری‌های برگزاری یک جشنواره خصوصی

فراخوان جشنواره از دیروز و با رونمایی از پوستر آن آغاز شده و با توجه به اینکه سال گذشته ۱۵۰۰ متقاضی داشتم پیش‌بینی می‌کنیم با توجه به رشد صعودی این تعداد به ۲ هزار نفر برسد. مراسم رونمایی از پوستر جشنواره در منزل کوروس سرهنگ زاده خواننده قدیمی برگزار شد. باار آن گذشته استاد همایون خرم تعداد بسیار کمی باقی مانده‌اند. خوانندگان دیگری هم بودند که با او کار کرده بودند اما یا در ایران حضور نداشتند یا شرایط جسمی‌شان خیلی مساعد نبود. اما کوروس سرهنگ زاده هم حضور دارد و هم حالش خوب است. اینکه می‌توانیم هم‌نسل‌های استاد خرم را در جشنواره ببینیم برای جوانان ایجاد انگیزه می‌کند. اما جشنواره خرم به‌صورت خصوصی و توسط مؤسسه فرهنگی هنری «راد نو اندیش» برگزار می‌شود که با توجه به شرایط فعلی کار بسیار سختی است. بسیاری از جشنواره‌ها هنگام ثبت‌نام وجوهی از شرکت‌کنندگان دریافت می‌کنند. اما تمام آنها به‌صورت شخصی پرداخت می‌شود به اجرا درمی‌آید. تنها رسالتی که این جشنواره دارد فرهنگ‌سازی است و به همین دلیل هم به‌نام استاد خرم مزین شده است. چون همایون خرم تنها چهره هنری نبود و به‌عنوان یک چهره فرهنگی از هر جهت الگوبود.

پوستر ششمین جشنواره موسیقی نوای خرم دیروز با حضور تعدادی هنرمندان شرکت‌کننده دوره‌های قبل در منزل کوروس سرهنگ زاده، خواننده پیشکسوت موسیقی ایرانی رونمایی شد. این جشنواره مخصوص رده سنی زیر ۱۸ سال است.



بابک شهرکی نوازنده و عضو هیأت داوران بخش رقابتی پنجمین جشنواره موسیقی نوای خرم

ششمین دوره جشنواره نوای خرم به سیاق سال‌های گذشته‌اش برگزار می‌شود. اما مهم‌ترین تفاوت و نکته اساسی جشنواره امسال این است که رپرتوار استاد ابوالحسن صبا و مرتضی محجوبی به آن اضافه شده و این اتفاق خوبی است. بخصوص رپرتوار استاد صبا، با توجه به اینکه استاد همایون خرم ویولنیست بود و ساز تخصصی استاد صبا هم ویولن بود به نظر برگزارکنندگان جشنواره این می‌تواند رپرتوار بهتری برای بچه‌ها باشد. ضمن اینکه استاد صبا در ناخن ساز سنتور و ردیف‌های سنتور هم چیره دست بود و به این ترتیب هم در سازهای کشتنی و هم مضربی امکان اجرا برای بچه‌ها فراهم می‌شود. هدف این جشنواره سازندگی است و این سازندگی در رده سنی بالا آتقدها نمی‌تواند اتفاق بیفتد به همین دلیل این جشنواره در رده سنی زیر ۱۸ سال برگزار می‌شود.

#سد_تیان

نیوفته. امروز خبر اومده که ۱۰ نفر دانش آموز نزدیک سد مفقود شدن. آخه چرا؟! چطور می‌شه این همه بی‌مسئولیت و خدم بود؟!؟ حسین عاملی: «مجتبی خالدي سخنگوي اورژانس کشور در گفت‌وگو با مهر از احتمال غرق شدن چند دانش آموز به‌دلیل باز کردن سد خبر داد. مگه حنازه دیدی که می‌گی غرق شدن؟ تو چه کارهای که همچین خبری میدی؟ همه دانش آموزان مفقود شده زنده پیدا شدن. آخه می‌فهمی خانواده هاشون چه حالی شدن؟»، اعلیحضرت نمک: «هوایما سقوط می‌کنه، تعداد مسافرا رو نمی‌دونن. سرباز با اتوبوس می‌ره ته دره، تعداد سربازا رو نمی‌دونن. اردو می‌برن تعداد دانش آموزا رو نمی‌دونن. چی می‌دونین پس؟»، کاربر دیگری: «آخه دانش آموز رو چرا باید با قایق بادی ببرن پشت سد تیان؟»، شکبیا مرادی: «بچه‌ها رو می‌ندازن به جون اولیا، یک رضایت‌نامه می‌گیرن و بعد هر بلایی که سر دانش آموز اومد، میگن با رضایت اولیا بوده! مگه آدم دانش آموز رو اردو می‌بره سد؟! حالم از این اردوهای مدارس بهم می‌خوره. اردو ندارید»، امید فرهنگ: «چندروزه دارن اعلام می‌کنن که قراره سرباز رو تخلیه کنن و دریاچه باز شه، پس چرا اردو رفتن اونجا؟».

خبر وقوع حادثه برای یک اردوی دانش آموزی ساعتی همه را در اضطراب و شوک نگه داشت. ابتدا گفته شد که ۱۰ دانش‌آموز به‌دلیل باز شدن دریاچه‌های سد لتیان مفقود و احتمالاً غرق شده‌اند اما مدتی بعد مشخص شد این دانش‌آموزان سوار بر یک قایق بادی بودند که سوراخ بوده و باعث شده دانش‌آموزان در جزیره‌ای وسط دریاچه محصور شوند و با کمک اورژانس و نیروهای امدادی نجات پیدا کنند. البته ۱۰ نفر هم نجات شدند و ۹ نفر بودند.

از اولین لحظه‌هایی که این خبر منتشر شد کاربران زیادی خبر را منتشر کردند و با تعجب درباره‌اش نوشتند. اینکه چرا با وجود هشدارهای قبلی برای باز شدن دریاچه‌های سد دانش‌آموزان واکتش کاربران را به این خبر بخوانید: عمو وینستون: «۱۰ تا دانش‌آموز تو سد لتیان غرق شدن گویا...الان وسط تابستون از کجا دانش‌آموز پیدا کردن؟»، پاشا: «دیروز تو خبرها خوندم که قراره سد لتیان رو باز بکنن و به همین خاطر اخطار دادن که کسی تو مسیبل‌ها نباشه که اتفاقی

قال رسول الله صلی الله علیه وآله:

سَخْن رَوْز
إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ أَكْلَةَ أَوْ يَشْرَبَ شَرْبَةَ فَيَحْضَهُ عَلَيْهَا

خداوند از بنده ای که پس از خوردن لقمه ای غذا و یا آشامیدن جرعه ای او را سپاس می گوید، خشنود می گردد.

مجموعه ورام ج، ص ۸

۲۷
رشت
۲۲

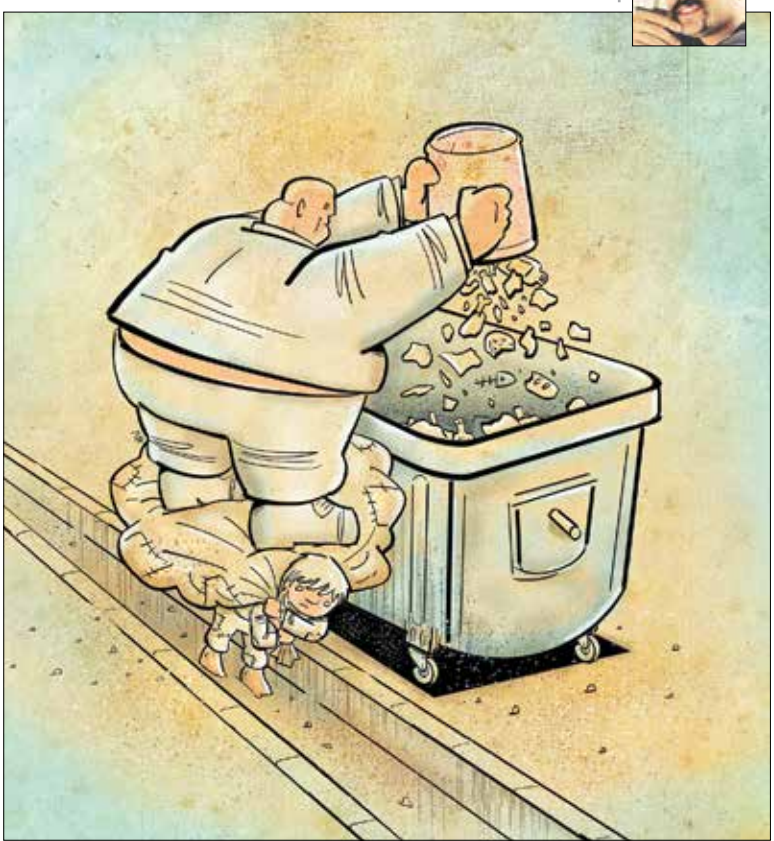
«جیران»، پروانه ساخت گرفت

اسماعیل عقیقه: فیلمنامه سریال «جیران» در جلسات اخیر شورای پروانه آثار غیرسینمایی، پروانه ساخت گرفته است. فیلمنامه این سریال تاریخی را احسان جوانمرد و حسن فتحی نوشته‌اند و با کارگردانی حسن فتحی ساخته خواهد شد. پیش تولید، ساخت و انتخاب لوکیشن‌های «جیران» در تهران آغاز شده است و به‌زودی عوامل و بازیگران این سریال معرفی خواهند شد.

توضیحات تهیه‌کننده سریال جدید حسن فتحی درباره «جیران»

نگاره

علیرضا پاکدل



روی دوش فراموشی

آرزویم بازگشت شعر به بطن زندگی مردم است

خوبی ندارد. این مسئله را می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. یکی از جهت، شرایط نامطلوب اقتصادی که کل نشر را گرفتار کرده و متأسفانه بیشترین آسیب آن هم متوجه شعر کرده، و دیگری از جهت افت کیفی اشعار که از بی توجهی جوانان و عبور‌گذاری آنان از داشته‌های شعر و ادب فارسی و نشأت می‌گیرد. البته در همین اوضاع و احوال هم کم نیستند شاعران جوانی که هم به مضمون توجهی ویژه دارند و هم به فرم و ساختار آن. منتهی تا جایی که من پیگیری کرده‌ام معمولاً سروده‌های امروز در دو بخش جای می‌گیرند: بخشی که عمده توجه آن به محتوا بوده، و دیگری که فرم و قالب برای آن در اولویت است. این در حالی است که اگر خواهان بهبود وضعیت کیفی شعر هستیم هر دو اینها باید کنار هم قرار بگیرند؛ به گمانم در این شرایط وظیفه مهمی به گردن متولیان فرهنگی به ویژه در وزارت ارشاد است. مسئولان این وزارتخانه باید در تعامل با اهالی رسانه و اساتید ادبیات دست به آسیب شناسی بزنند و ببینند مجموع ادبیات مطرح شده حالا اینچنین از زندگی مردم دور شده است. البته نمی‌دانم می‌توان دوباره شعر را به بطن زندگی مردم بازگرداند یا نه. منتهی این آرزوی من است و امیدوارم که تا بیشتر از این دیر نشده متولیان کاری کنند.

«ترانه‌های گمشده در کوچه‌های باد» مجموعه شعری تازه از محمود معتمدی، شاعر و منتقد ادبی است؛ مجموعه‌ای دربرگیرنده نزدیک به ۸۰ عنوان شعر در قالب سپید انتشارات آرادمان آن را منتشر کرده است.



محمود معتمدی شاعر و منتقد ادبی

مجموعه شعر تازه‌ام دربرگیرنده اشعار ی با مضامین اجتماعی و عاشقانه است که در قالب سپید جای می‌گیرند. البته خودم آنها را کوتاه‌نوشته‌هایی می‌دانم که سروده‌های دو سال اخیرم را دربرمی‌گیرند. همواره تلاش می‌کنم در تعامل با جوانان از آنان بیاموزم تا به فضای بهتری در فرم و زبان در اشعارم دست پیدا کنم. کاری که در همین راستا در مجموعه مذکور انجام داده‌ام افزودن بر ضریاهنگ و از سویی ضربه‌های انتهایی اشعار است. در غالب این شعرها تلاش کرده‌ام مخاطبان را متوجه برخی فضاهایی کنم که هم در فضای اجتماعی و هم در فضای عاشقانه در جامعه‌مان می‌گذرد. حالا در بحث فضای اجتماعی و شعر به میان آمد بگذارید نیم نگاهی هم به وضعیت شعر امروز بخش مهمی از ادبیات سرزمین‌مان حال و روز

روز کباب

یعنی اینکه روز جهانی کباب، رشت نباشی»، «ارنستو چه ناگوارا! «روز جهانی کباب رو به خانواده خودم که ظهر امروز اشکنه تخم مرغ خوردیم تبریک می‌گم». محمد: «ما تو روستای مادری مون جشنواره کباب داریم، دو سه هفته پیش هم برای دومین سال برگزار شد. جشنواره کباب گرجی محله بشهر رو گوگل کنید»، ملیحه بستکی: «امروز روز جهانی کباب است... و قطعاً اهل هر کجای جهان که باشیم کباب محلی خودمان را بهترین کباب دنیا می‌دانیم...ولی و کباب ماستی بستک را ندارد». سیم خاردار: «می‌گن گیاه‌خوارا تو روز جهانی کباب به نشانه اعتراض می‌رن تا اتاق درو رو خودشون می‌بدن تا فرداش لب به هیچی نمی‌زنن». آن: «فک کنیم به مناسبت روز جهانی کباب خورشید گذاشتمون رو باریکیو». زوربای ایرانی: «روز جهانی کباب خودش بهترین روز سال میتونه باشه»، آی‌ام دبیبی: «چرا روز کباب داریم ولی روز پسر نداریم؟». شفیت شب: «دیدم در روز جهانی کباب همتون عکس ششلیک و کوبیده گذاشتید؛ خواستم یادآوری کنم که جگر و دل و قلوه هم جزو کباب محسوب میشن بیاد اونها هم باشیم. بعله!»، امیر ترک نژاد: «روز جهانی کباب هم داریم مثل اینکه! یکی دیگه از مشکلات بشريت هم حل شد خدارو شکر».

دیروز روز جهانی کباب بود! وقتی چند نفری درباره‌اش نوشتند بقیه تعجب کردند و گفتند «مگه کباب هم روز داره؟»، اما بلافاصله حرف زدن درباره این غذای خوشمزه و دوست داشتنی آغاز شد. غیر از کسانی که به طنز درباره این روز می‌نوشتند اهالی شهرهای مختلف ویژگی کباب‌های شهر و منطقه‌شان را یادآوری و بر سر آن با اهالی بقیه شهرها کل کل می‌کردند. در کنار این‌ها کسانی هم بودند که به همین بهانه درباره گریانی گوشت و اینکه بسیاری از خانواده‌ها دیگر امکان خوردن این غذا را ندارند می‌نوشتند.

این نوشته‌ها را درباره روز جهانی کباب بخوانید: مریم حدیدی: «روز جهانی کبابه ولی دریغ از یه سیخ گوشت بخورند روز کباب مبارک!»، کاسب: «روز جهانی کباب رو به لاستیک فروشی‌هایی که لاستیک با برنج سرو می‌کنند به اسم چلو کباب ده تومنیه به ما میندازن هم تبریک می‌گم»، سوبر: «روز کباب به کباب چنجه و سیس به کباب بختیاری تبریک می‌گم»، دیمیتری علیوف: «با این گرونی تو روز جهانی کباب مگه تخم مرغ رو کباب کنیم بخوریم»، گاهی در اختیار: «باخت

ماجرا

شهروند مجازی

یکانه خدماتی